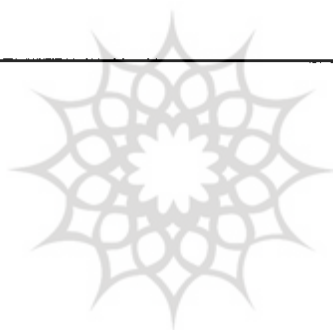


ثبت اسناد در دوران آغازین اسلامی

مهدی مهدی زاده*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

روابط حقوقی مهمترین بخش از روابط اجتماعی یک جامعه را شکل می‌دهد؛ به گونه‌ای که اساساً یک جامعه بدون وجود این روابط قابل تصور نیست، روابطی همچون خرید و فروش، اجاره، ازدواج و... گسترده‌گی و عمق وجودی روابط حقوقی ناشی از ضرورتها و نیازهای روزمره و اجتناب‌ناپذیر اجتماعی است که هیچ جامعه و افراد آن را گریزی از آن نمی‌باشد. به دلیل همین جایگاه مهم و گسترده‌گی روابط مذکور، جامعه همواره به دنبال تثبیت هر چه بیشتر و ایجاد پشتوانه‌های اطمینان بخش برای آن است. به بیان دیگر، هر گاه روابط حقوقی که اکثر روابط آحاد یک جامعه را تشکیل می‌دهد از نوعی پشتوانه و ثبات برخوردار گردد قدمی مهم در جهت ایجاد نظم در روابط اجتماعی و دوری از منازعات و بالمآل گامی در مسیر مدنیت برداشته می‌شود.

نخستین قدمهایی که در جهت استحکام و ثبات این روابط قابل تصور است، استفاده از «کتابت» و یا «شهادت» به هنگام انجام آنها است؛ روشهایی که در طول تاریخ در جوامعی مشاهده می‌شود که گامی از بدویت فراتر نهاده‌اند. به بیان دیگر «کتابت» و «شهادت» از بهترین شیوه‌های ایجاد این پشتوانه و استحکام محسوب می‌شوند. این دو روش اساسی مورد توجه خاص اسلام نیز واقع شده که چنین توجهی به کتابت در جامعه دور از سواد صدر اسلام سندی مهم و افتخارآمیز در مسیر تمدن انسانی است. خصوصیت مهم این دو شیوه، جنبه خصوصی بودن آنها است. با استقرار بیش از

پیش مفهوم حکومت و دولت، به تدریج این دسته از روابط اجتماعی مورد توجه و حمایت حکومتها قرار گرفت، چه آنکه حکومتها در پرتو تحت پوشش قرار دادن این روابط اولاً به دنبال تثبیت روابط درونی جامعه خود و به تبع آن ایجاد امنیت اجتماعی از طریق پیشگیری از نیرنگها، کلاهبرداریها و... بوده‌اند؛ و ثانیاً با این عمل، در پی کمک به محافل و مراجع دادرسی در تشخیص آسانتر، سریعتر و در عین حال مطمئنتر حق و در نتیجه احقاق آن بر آمده‌اند.

امروزه بر حسب تخصصی شدن امور، دفاتر ثبتی که تصدی این قبیل کارها را بر عهده دارند، اقسام گوناگونی یافته‌اند که از آن جمله می‌توان به دفاتر اسناد رسمی، دفاتر ازدواج و طلاق و دفتر ثبت شرکتها اشاره نمود.

آنچه در این مکتوب مورد توجه نگارنده خواهد بود، نگاهی تاریخی است به چگونگی موضوع در دوران آغازین اسلامی که در پرتو آیات و روایات قرآنی و تاریخی صورت می‌پذیرد.

در بررسی تاریخی این مساله، بحث را با نگاهی به طولانی‌ترین آیه قرآن کریم و آیه پس از آن آغاز می‌نماییم؛ چه آنکه گذشته از وثاقت غیر قابل خدشه قرآن کریم، این متن را باید تاثیرگذارترین عامل در جامعه اسلامی عهد نخستین اسلامی دانست که تحولات مهمی را در عرصه زندگی عرب باعث گردید. این امر از آنجا بر می‌خاست که مسلمین کلام الهی را لازم‌الاتباع و پیروی از آن را شرط اسلام و ایمان تلقی می‌نمودند (که بسط این سخن مجال دیگری طلب می‌کند).

در آیات ۲۸۲ و ۲۸۳ سوره بقره آمده است: «ای مومنان اگر وامی (یا معامله نسیه‌ای انجام) دادید که سررسید معینی داشت آن را بنویسید و باید نویسنده‌ای در میان شما دادگرانه آن را بنویسد و هیچ نویسنده‌ای نباید از نوشتن آن سرباز زند چنانکه (و به شکرانه آنکه) خداوند او را آموزش داده است؛ باید کسی که وام بر عهده او است املاء کند و او (نویسنده) بنویسد و از خداوند (جهان)، پروردگارش پروا کند و چیزی از آن فرو نگذارد و اگر کسی که وام بر عهده اوست کم خرد یا ناتوان باشد یا املاء کردن نتواند باید «ولی» او عادلانه املاء کند. و دو شاهد از مردان خودتان (مسلمانان) را بر

آن گواه بگیرید. و اگر دو مرد نبود یک مرد و دو زن از گواهانی که می‌پسندید (انتخاب کنید) که اگر یکی از آنها فراموش کرد آن دیگری به یادش آورد و گواهان چون (برای ادای گواهی) خوانده شوند سرباز نزنند؛ و ملول نشوید از اینکه آن را چه خُرد باشد چه بزرگ طبق مدتش بنویسید این کار نزد خداوند درست تر و از لحاظ گواهی دادن استوارتر و بی شک و شبهه‌تر است مگر آنکه داد و ستد نقدی باشد که بین خود (دستادست) برگزار کنید که در این صورت گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید و چون داد و ستد کنید بر آن گواهی بگیرید و نباید نویسنده و گواه به رنج و زیان افتند و اگر چنین کاری کنید نافرمانی کرده‌اید و از خداوند پروا کنید و خداوند (بدین گونه) به شما آموزش می‌دهد و خدا به هر چیز دانا است* و اگر در سفر بودید و نویسنده نیافتید باید گروهی بستانید و اگر کسی از شما دیگری را ایمن دانست و (گرویی نگرفت) باید کسی که امین دانسته شده، امانت (دین) او را باز پس دهد و از خداوند (جهان) پروردگارش پروا کند و شهادت را کتمان نکنید و هر کس آن را کتمان کند دلش گناه کار است و خداوند به آنچه می‌کنید داناست.»^۱

گرچه می‌توان این آیات را از منظری تفسیری مورد مذاقه قرار داد اما فارغ از این مباحث و تنها با برداشتی تاریخی، اجمالاً نکات ذیل را می‌توان بیان نمود:

اول؛ عقود و معاملات بر دو قسم تقسیم شده است. قسم نخست عقود و معاملات نسیه‌ای و قسم دیگر عقود و معاملات نقدی است. به این ترتیب باید گفت که هر دو گونه این معاملات در آن دوران مرسوم بوده و قرآن کریم نیز فارغ از نفی هر یک و در مقام تجویز و تعلیم کتابت، میان آن دو تفکیک قائل شده است. خداوند متعال امر می‌نماید که قسم نخست این عقود و معاملات به کتابت در آید و تصریح می‌فرماید که این امر را در معاملات خُرد و کلان به کار گیرید و از آن ملول نشوید. در چگونگی کتابت نیز بیان می‌دارد که سر رسید و اجل معامله به دقت نگاشته شود. و اما در

۱. قرآن کریم، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، انتشارات نیلوفر و انتشارات جامی، ۱۳۷۴، ص

خصوصاً قسم دوم عقود و معاملات، به کتابت در نیاوردن آنها را بلامانع می‌شمرد و آنرا مجاز می‌داند. این در حالی است که امکان دسترسی به کاتب وجود ندارد اما در آیه دوم، تکلیف حالتی که افراد را به کاتبی دسترسی نیست نیز مشخص شده است که در این صورت می‌توان از روش گروگیری بهره جست.

دوم؛ خداوند تصریح می‌کند که هیچ شخصی که قدرت و توانایی کتابت را دارد نباید از این امر سرباز زند، چه آنکه کتابت را خدا آموخته و این امر به منزله شکر نعمت الهی است. در عین حال خداوند افراد را از رنج و زحمت دادن کاتبان نیز بر حذر می‌دارد.

سوم؛ کاتب باید در نگارش خود، دو امر را لحاظ نماید. نخست دادگرانه نوشتن و سپس پروا از پروردگار خود و عدم فروگذاری در نگارش.

چهارم؛ در این کتابت چه کسی باید به املاء بپردازد؟ خداوند به دقت پاسخ این امر را نیز روشن ساخته است. وام‌گیرنده یا آن کسی که تعهد علیه اوست باید به انشاء مبادرت نماید و اگر او ناتوان از این کار باشد و یا دچار کمی خرد و قدرت باشد ولی او عهده‌دار این امر گردد.

پنجم؛ اخذ شاهد در هر نوع عقود و معاملات مذکور از دیگر مواردی است که مورد تاکید آیات قرار گرفته است. شاهدان باید مسلمان و متعهد باشند (دو مرد یا یک مرد و دو زن) تا در صورت فراموشی هر یک دیگری او را متذکر گردد. شهود نباید از شهادت سرپیچی نمایند و از کتمان آن نیز باید پرهیز کنند.

ششم؛ خداوند با تصریح به صفت دانایی خود، بر درستی و انجام این امور (کتابت و شهادت و چگونگی آنها) تاکید می‌ورزد.

هفتم؛ خداوند در جایی، کتابت معاملات خرد را به لحاظ گواهی دادن استوارتر و بی‌شک و شبهه‌تر می‌خواند که این دلیلی بر توجه به قوام و استواری انجام معاملات در جلوگیری از منازعات که در مقدمه بحث نیز به آن اشاره شد می‌باشد.

هشتم؛ خداوند متعال، در جای جای این آیات، هر یک از نویسندگان، املاکنندگان و شاهدان و... را به تقوا و پروای الهی و عدالت‌پیشگی می‌خواند و به این

ترتیب سعی می‌نماید در کنار تضمینات صوری به لحاظ درونی و اخلاقی نیز عملاً استواری و پایداری روابط اجتماعی مسلمین را محقق سازد.

بدیهی می‌نمود که در عمل نیز مسلمین این تاکید و تصریح را نه تنها در عرصه معاملات رایج میان خود که حتی در دیگر امور همچون اقطاع^۱، امان نامه‌ها و... (آن گونه که بیان خواهد شد) نیز مورد متابعت قرار دهند. چنین توصیه و تعلیمی نسبت به کتابت و شهادت در روابط معاملی، به ویژه با دفت‌های بسیار بیرونی و درونی (شکلی و ماهوی)، در جامعه متأثر از جاهلیت آن زمان، دلیلی استوار و افتخارآمیز در سوق دادن جامعه به سوی استقرار و مدنیت از جانب اسلام است.

با بررسی منابع و آثار موجود، جریانات و اسناد متعددی در تبعیت از این امر در انجام روابط معاملی و اموری همچون اقطاع، امان نامه‌ها و صلح نامه‌ها ملاحظه می‌شود که در حد طاقت این موجز به بیان برخی از آنها مبادرت می‌ورزیم.

۱- «به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر. این نوشته آن چیزی است که محمد فرستاده خدا عدا بن خالد و پیروان وی از قبیله عامر بن عکرمة داده است. وی زمینهای میان المصباغة تا الزج و لوابة - لوابة الخرار - را به وی داده است. این (فرمان) را خالد بن سعید نوشت.»^۳ و^۲

- «به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر. این آن چیزی است که عدا بن خالد از محمد فرستاده خدا خریده است. وی برده یا کنیزکی را - (تردید از سوی راوی است) - از پیامبر خدا خرید. این برده به دور از درد و بیماری مرگ آور و عامل حرمت

۱. اقطاع به معنی «واگذاری مشروط تمام یا بخشی از خراج یا مالیات‌های دیگر اراضی دولتی مشخص به خدمت گزاران دولت به جای مزد خدمت» الف. رجوع کنید به: دایرة المعارف تشیع، ج ۲، تهران، سازمان دایرة المعارف تشیع، ۱۳۶۸ ه. ش، ص ۳۰۱.

۲. محمد حمید الله، نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام، ترجمه سید محمد حسینی (تهران: سروش، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه. ش)، ص ۳۷۸.

۳. موارد عدیده‌ای از این گونه مکتوبات علاوه بر مرجع پیشین در کتاب ذیل موجود است: ابوبکر احمد بن الحسین بن علی بیهقی، السنن الکبری، ج ۱۰ (بیروت: دارالمعرفة).

معامله بوده است. این داد و ستد همانند داد و ستد مسلمانی با مسلمان دیگر انجام پذیرفت^۱ و در روایت دیگری عداء بن خالد گفت: «پیامبر (ص) برای من نوشت: این چیزی است که محمد فرستاده خدا از عداء بن خالد خرید، همچون داد و ستد مسلمانی با مسلمان دیگر. دردی و عیبی و فریبی در کار نبوده است»^۲.

آن گونه که ملاحظه می شود چند نکته در این مکتوبات مورد رعایت بوده است:

اول: آغاز کتابت با نام خداوند متعال.

دوم: ذکر دقیق طرفین معامله.

سوم: ذکر دقیق مورد معامله و حتی عاری بودن آن از عیب و ایراد منافی عقد.

چهارم: ذکر نام کاتب در پایان متن که این امر در امان نامه‌ها و عهد نامه‌های متعدد دوران صدر اسلام نیز کاملاً مشهود است (هر چند در شاهد تاریخی دوم وجود ندارد).

- طبری آورده است که در عهد ابوبکر «عاملان خراج برای اهل خراج براثت (رسید) از روی یک نسخه نوشتند»^۳ و متن آن را چنین ذکر می کند:

«بسم الله الرحمن الرحيم. براثت برای آنکه از فلان و بهمان جا است از جزیه‌ای که امیر خالد بن ولید، با آنها بر آن صلح کرده که آنرا گرفتم و مادام که جزیه می دهید و به صلحید خالد و مسلمانان بر ضد کسانی که صلح خالد را دیگر کنند همدست شمایند و امان شما امان است و صلح شما صلح است و به پیمان شما وفا می کنیم»^۴.

۱. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الصحابة، ج ۳ (قاهره: مکتبه نهضة مصر)، ص ۱۲۳۷؛ و ابن

ماجه، سنن، ج ۲ (بیروت: دار احیاء التراث العربی)، شماره ۲۲۵۱، ص ۷۵۶.

ترجمه متن از سید محد حسینی در: نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام محمد حمید الله، پیشین، ص ۳۷۹.

۲. ابن عبدالبر، همان، ص ۱۲۳۷ ترجمه از سید محمد حسینی، همان، ص ۳۷۹.

۳. محمد بن جریر الطبری، تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۴ (انتشارات اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ه.ش)، ص ۱۵۰۷.

۴. طبری، همان، ص ۱۵۰۷.

در همین مرجع، طبری عهدنامه و امان نامه‌های بسیاری که میان مسلمین و ملل مغلوب نوشته شده را آورده است که گرچه در کتاب معاملات نمی‌گنجد، اما همگی حاکی از استقرار و رسوخ «کتابت» در اعمال و رفتار مسلمین در راستای استحکام و ثبات روابط اجتماعی است.

ورود نوشته‌ای به نام «صک» در میان مسلمین را می‌توان در همین راستا ارزیابی نمود. صک یا چک، نوشته و براتی بود که برای هر گونه پرداختی که نامها و تعداد و مقدار مال بستانکاران را در بر داشت و در پایان آن فرمانروا دستور به پرداخت آن می‌داد به کار می‌رفت.^۱

صک را که معرب کلمه فارسی چک دانسته‌اند از دیار فرس به بیان عرب راه یافته بود. آورده‌اند که روزی زید بن ثابت بر مروان بن حکم وارد شد و از او پرسید: آیا بیع به وی حلال است؟! مروان گفت: پناه بر خدا مگر چه شده؟ زید گفت: مردم «صکوک» را پیش از قبض آن می‌فروشنند و مروان نگهبانانی را برای دور نمودن مردم از این عمل فرستاد.^۲

- عبدالله بن ارقم، عامل عثمان بر بیت المال بود. عثمان، مبلغ صد هزار درهم از او قرض نمود و عبدالله نیز آن را با شهادت علی، طلحه، زبیر، سعد ابی وقاص و عبدالله عمر کتابت نمود. پس از سر رسید وام، عثمان آن را به بیت المال باز گرداند. به دنبال آن عبدالله بن خالد و گروهی از جنگ آوران نزد عثمان آمدند. عثمان برای عبدالله بن خالد، سیصد هزار و برای هر یک از آن گروه صد هزار درهم مقرر داشت و جهت پرداخت آن برای عبدالله رقم صکی صادر نمود. این مبلغ برای وی زیاد به نظر آمد و آن صک را به عثمان باز فرستاد و...^۳

از این روایت تاریخی، گذشته از چگونگی بهره‌گیری از صک در آن دوران، نکته

۱. سید محمد حسینی، پاورقی‌ها بر کتاب محمد حمید الله (پیشین)، ص ۳۷۹.

۲. محمد بن ادریسی الشافعی، الامم، ج ۷ (بیروت: دارالمعرفة)، ص ۳۷.

۳. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۴ (بیروت: دارالنشر فرانکس شتاینر بقیسبازن،

درخور توجه دیگری نیز ملاحظه می‌گردد که حاکی از رسوخ گسترده کتابت و نیز شهادت در جامعه اسلامی است و آن عبارتست از این که عثمان به عنوان خلیفه مسلمین نیز آن هنگام که قصد اخذ وام از بیت المال و عامل خود نمود، علاوه بر شهادت پنج تن از بزرگان صحابه، از کتابت نیز بهره گرفت. به بیان دقیق‌تر، عامل وی (عبدالله بن ارقم) او را نیز از کتابت و شهادت مستثنی نمود.

- امام علی (ع) پس از اطلاع از خریداری خانه‌ای به قیمت ۸۰ دینار از سوی شریح او را فراخوانده و فرمود: «به من رسیده است که تو خانه‌ای به ۸۰ دینار خریده‌ای و بر آن نوشته‌ای نگاشته‌ای و شهودی به شهادت گرفته‌ای» و شریح آن را تایید کرد و امام پس از سخنانی چند فرمود هر گاه موقع این خرید نزد من می‌آمدی، برای تو نوشته‌ای به این نحو می‌نگاشتم تا رغبتی به خرید این خانه در برابر درهمی نیابی و سپس ایشان نسخه‌ای به این صورت بر او خواند که در نامه سوم نهج البلاغه انعکاس یافته است:

«این خانه‌ای است که خریده بنده خوار و پست از مرده‌ای که بیرون شده برای کوچ و رحیل... و این خانه دارای چهار حد و گوشه است حد اول به پیشامدهای ناگوار منتهی می‌شود و حد دوم به موجبات اندوه‌ها و حد سوم به خواهش و آرزوی تباه کننده و حد چهارم به شیطان گمراه کننده. و در این خانه از حد چهارم باز می‌شود. این شخص فریفته به خواهش و آرزو چنین خانه را از این شخص بیرون شده برای مرگ خرید به بهای خارج شدن از ارجمندی قناعت و داخل شدن در پستی درخواست و خواری. و بدی و زبانی که به این خریدار در آنچه خریده از فروشنده برسد پس بر تباه سازنده نفسهای پادشاهان و گیرنده جان‌های گردن‌کشان و از بین برنده پادشاهی فرعون‌ها مانند کسری و قیصر و تُبَّع و حمیر و کسانی که... است... عقلی که از گرفتاری خواهش رها باشد و از وابستگی‌های دنیا سالم ماند بر این قباله گواه است.»^۱

گرچه این یک سند تمثیلی و اخلاقی و نه در مقام خرید و فروش و معامله است،

اما کاملاً حاکی از موارد مذکور در نگارش اسنادی از این قبیل می‌باشد. خریدار، فروشنده، اوصاف دقیق مبیع، پیش‌بینی خسارت و زیانهای احتمالی و بالاخره شهود همگی ارکان این سند می‌باشد که نشان‌دهنده محتوای اسناد مکتوب به هنگام معاملات در آن عهد است. آنچه را که در پایان این نوشتار و در یک جمع‌بندی می‌توان بیان نمود آن است که دوران آغازین اسلامی در پرتو تعالی اسلامی، در عرصه روابط معاملی، از حیث ایجاد ثبات و پشتوانه، شاهد تحولی در خور توجه بود. بدین ترتیب که جامعه اسلامی با دور شدن از شرایط دوران جاهلی، و با سیر به سوی مدنیت و امنیت لازم در آن، کتابت و شهادت را به عنوان دو روش مهم و اساسی در انجام معاملات به نحوی گسترده حتی در اعمال حکومتی مورد اتباع و پیروی قرار داد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

امام علی بن ابی طالب علیه السلام

تذل الامر للمقادیر حتی یكون الحتف فی التدبیر

کارها چنان رام تقدیر است که گاه مرگ در تدبیر است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی